



مکتب روحانی مشاوره مسیحی
بیش از رستگاری

**A Theology of
Christian Counseling**
More than Redemption

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی
ویرایش: فرح صفوی

پیشگفتار مترجم

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فصل های کتاب

| | |
|---|---------------------|
| نیاز مکتب روحانی در مشاوره مسیحی | فصل اول: |
| مکتب روحانی و مشاوره | فصل دوم: |
| اصول کلام خدا - مشاوره و مکاشفه مخصوص | فصل سوم: |
| اصول خدا - مشاوره مسیحی و اساس محیط انسان | فصل چهارم: |
| اصول خدا - نام خدا و مشاوره مسیحی | فصل پنجم: |
| اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا | فصل ششم (بخش ۱): |
| اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا | فصل ششم (بخش ۲): |
| اصول خدا - مشاوره مسیحی و اصل تثلیث | فصل هفتم: |
| اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان | فصل هشتم (بخش ۱): |
| اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان | فصل هشتم (بخش ۲): |
| اصول انسان - مشاوره مسیحی و گناه انسان | فصل نهم: |
| اصول انسان - مشاوره مسیحی و عادت | فصل دهم: |
| اصول انسان - چگونه گناه بر افکار تاثیر می گذارد | فصل یازدهم: |
| اصول رستگاری - بیش از رستگاری | فصل دوازدهم: |
| اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی | فصل سیزدهم (بخش ۱): |
| اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی | فصل سیزدهم (بخش ۲): |
| اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و زندگی نو | فصل چهاردهم: |
| اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و میوه روح القدس | فصل پانزدهم: |
| اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و ریشه کنی | فصل شانزدهم: |
| اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و استقامت | فصل هفدهم: |
| اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و رنج | فصل هجدهم: |
| اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و کلیسا | فصل نوزدهم: |
| اصول کلیسا - مشاوره ایمانداران جدید | فصل بیستم: |
| اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و انضباط کلیسا | فصل بیست و یکم: |
| اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و اعمال رحیم | فصل بیست و دوم: |
| اصول آینده - مشاوره مرگ و افراد در حال مردن | فصل بیست و سوم: |
| اصول آینده - مشاوره مسیحی و قضاوت | فصل بیست و چهارم: |
| خلاصه مطالب | فصل بیست و پنجم: |

فصل پنجم

نام خدا در مشاوره مسیحی

اصول خدا (ادامه)

کسانی که مسائل و مشکلات زندگی را بدوش کشیده و بدبختی و بیچارگی می کشند، احتیاج به مرجع قاطعی دارند تا به آن تکیه کنند. در سراسر کلام، خدا خود را با نامی نشانگر به آنچه فرزندان نیاز به آن داشته اند، افشا کرده. زمانی که ابراهیم مبهوت و بلاتکلیف از آنچه خدا در سن پیری از او می خواست، مانده بود، این را از خدا شنید:

بیدایش ۱۷

۱: چون ابرام نود و نه ساله بود،
خداوند بر او ظاهر شد و فرمود:
«من هستم خدای قادر مطلق؛
پیش روی من گام بردار و کامل باش.»

توجه کنید، ابرام در کمال ضعف و نادانیش صدای خدا را شنید که می گوید «من هستم خدای قادر مطلق». چه را شنید؟ نشانه آنچه خوراک و رضایت او را برآورده می کرد. ابرام لزومی نداشت تکیه به خود یا اوضاع و احوال کند. «قادر مطلق» دقیقاً آنچه ابرام (و ریش سفیدان قوم) احتیاج داشت (برداشت لازم برای پیشبرد خواست خدا) را به او داد. بسیاری از متقاضیان نیز لازم دارند این را بشنوند که خدا می گوید، «من هستم خدای قادر مطلق». مسیحیان شکاک و ضعیف در ایمان، لازم است دوباره با خدا آشنا شده و او را بگونه ای که خدا تا بحال عمل کرده، دریابند. شاید لازم است متقاضی خدا را به نام «یهوه» بشناسد. درست است که خدا قادر است، ولی برای متقاضی که ضعیف و هراسان است، این موضوع همیشه وارد مسئله متقاضی نمی شود. لازم است دوباره با خدای «وفادار» آشنا و روبرو گردد. یهوه، نامی است که بعنوان - «وفادار به عهد» خود، از جانب قومش شناخته شد. خدا با این نام خود را به موسی و قوم خود آشنا کرد:

خروج ۳

۱۵: و خدا باز به موسی گفت: به بنی اسرائیل چنین بگو،
یهوه خدای پدران شما، خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب،
مرا نزد شما فرستاده، این است نام من تا ابدالابد،
و این است یادگاری من نسل بعد نسل.

این نام ۶۸۰۰ بار در عهد قدیم بکار برده شده. در عهد جدید، در عنوان یونانی کوریوس Kurios برای عیسی بکار برده شد. این کلمه در حقیقت نوعی فعل «بودن» است که به «هستم آنکه هستم» (خروج ۳: ۱۴)، و «من هستم» (یوحنا ۸: ۵۸) در کلام ترجمه شده. نویسنده های عهد جدید معنی آن را اینگونه، «آنکه بود و هست و خواهد بود» بکار برده اند. یهوه «همانی که بود هست و خواهد بود». منظور این است که میتوان بر او حساب کرد. این نام می خواهد ایمانداران را اطمینان بخشد که خدا به عهد خود وفا خواهد کرد. آیا متقاضی می تواند اعتماد داشته باشد که به

و عده اش وفا کند؟ البته! این حرفی است که خدا گفته - خدائی که خود و عده داده قدرت انجامش را نیز دارد.

خدا اطلاعاتی راجع به طبیعت و شخصیت خود در نامش نداده، اما از طریق خادمینش نام هائی را بکار برده که تعدادی از خصوصیاتش را ابراز می کنند. این نام ها نیز می توانند کمک بزرگی به مشاوران کنند. مضافاً بر اینکه نام ها را خدا در دنباله صحبت خود راجع به مسائل و مشکلات زندگی افشا نمود، تا خصوصیات خدا بکار برده شوند. لازم است توجه نیز داشت که نام ها را خدا مکشوف ساخته (از طریق روح القدس) چون می خواهد متمرکز بر او باشند. منظور این است که هر نامی باید تفسیر شده و رابطه آن با مسئله متقاضی روشن شده باشد تا متقاضی خود شخصاً خدا را در مسئله ببیند. خدا بود، که به وسیله روح القدس این نام ها را در کلامش ثبت کرد، و به این دلیل لازم است جوانب عملی این نام ها را سنجید:

۱. یهوه شمه - خدا آنجا است.

حزقیال ۴۸

۳۰: و محیطش هجده هزار (نی) می باشد و اسم شهر از آن روز یهوه شمه خواهد بود.

خدا را، در شهری که پس از اسارت باید ساخته شود، خواهند یافت. زمانی که مطابق با خواست خدا عمل کنیم، خدا را در آن خواهیم دید (در حال تغییر، پاکسازی) که دارد ما را هدایت و برکت می دهد، و در آخر راه نیز، ایستاده و انتظار ما را می کشد. این "خدائی است که آنجا است". خدا طوری ایماندار را هدایت می کند تا او را ببازد، و در آخر نیز، او را در حضور خود بپذیرد. این کاری است که برای همه فرزندانش می کند. از همان مسائل و مشکلات (اسارت ها) استفاده کرده، ضعف های روحانی را جبران می کند، و فرزندش عیسی را در متقاضی جلوه می دهد. خدا را شکر. عظمت کارش را نمی توان در این عصر بیان کرد.

۲. یهوه یاره - خدا فراهم خواهد کرد.

پیدایش ۲۲

۱۴: پس ابراهیم آن مکان را

«خداوند فراهم خواهد کرد» نامید.

و تا امروز نیز گفته می شود: «بر کوه خداوند، فراهم خواهد شد.»

متن آنچه این آیه در آن جای گرفته و موقعیت و نامی که فاش کرده را آشنا هستیم و احتیاج به صحبت ندارند. با این وجود، تاثیری که در تاریخ داشته، نشانه قوت و قدرتی است که خدا در راه های بنظر مشکل، مبهم، مشکوک، آسیب پذیر، و کلاً امکان ناپذیر، مصرف نموده است. دلها به خداوند باز گردید و قربانی هائی که باید در راه داده می شد را خدا خود با گوسفندی که ابراهیم لازم داشت؛ گوسفندی که هر یک از ما بر صلیب لازم داشتیم، فراهم ساخت. احتیاجات فرزندان را بر طبق نقشه نجاتش که از ازل در دست داشت فراهم ساخت. نترسیم و با اطمینان به سوی او گام برداریم. ایمان ما است که زیربنای کار روح القدس را فراهم می سازد.

۳. ال رؤی - خدا مرا می بیند.

بیدایش ۱۶

۱۳: هاجر نام خداوند را که با او سخن گفته بود،
«تو خدایی هستی که مرا می بینی» خواند،
زیرا گفت: «آیا براستی در اینجا او را که مرا می بیند، دیدم؟»

امروزه نیز حاجر های بسیاری هستند که در همان شرایط سردرگم و سرگردان بسر می برند، و نیاز به اطمینانی دارند که خدا از طریق همین شهادت فراهم ساخته است. پدران و مادران طلاق گرفته، که خود را تنها و بدون تکیه گاهی یافته اند، و دچار بلاتکلیفی، تردید، و خطرهای زندگی شده اند، باید بدانند که فرزندان خدا هیچ وقت، تنها نخواهند بود. خدا آنها را «می بیند». همه را می بیند. اما، به فرزندانش روح القدس را داده که از آن طریق عمل نیز بکنند. آنچه در پیش است را خدا می بیند و با ایشان همراه می شود. با جرعت و تکیه بر او که «می بیند» قدم بر داریم.

۴. صخره.

تثنیه ۳۲

۴: او صخره است و اعمال او کامل.
زیرا همه طریقهای او انصاف است.
خدای امین و از ظلم مبرا. عادل و راست است او.

خدا محکم، کامل، با انصاف، امین، عادل و راست است، و بیشتر از آن (به تمام خصوصیات خدا آشنا نشده ایم). زمان و مکان و مسئله، هر چه باشد، در او حل می گردد، چون او صخره محکمی است. خدا می داند چگونه به آن رسیدگی کند. در بعضی مواقع ساکت است، اما در سکوت، صبر و بینش روحانی لازم را نیز می دهد. هیچ ایمانداری نیست که حضور او را برداشت نکرده باشد. همه با ایمان نجات یافتیم. و این نجات، کلام را نیز باز می کند که همه به آن محتاجیم. همان خدائی که متقاضی را نجات داد، حال حاضر است در این مسئله نیز او را نجات دهد.

۵. یهوه نسی - پرچم ما.

خروج ۱۷

۱۵: و موسی مذبوحی بنا کرد و آن را یهوه نسی نامید.

مردم می خواهند موفق شوند. وعده خدا نیز چیزی کمتر از آن نمی باشد. شکی نیست، اگر فرزند خدا او را بجوید، او را پیدا خواهد کرد و نیازی که دارد را بدست خواهد آورد. خدا را در اعماق مسائل و مشکلات می توان یافت. در مقابل وسوسه های گوناگونی که همه را هدف ساخته می توان یافت. راه کدام است؟ با مبارزه زیر پرچم (مذبوح) خدا. به عبارت دیگر، غیرت است که نیاز
